

ماجرای زن و شوهری که به‌خاطر اعتیاد در پارک زندگی می‌کردند

سرگردان در جزیره تنهایی

صدیقی

حکایت زندگی اش تلخ و غم‌انگیز است. به تجویز شوهرش فرمان اعتیاد را در دست گرفت و به اتفاق او در جاده بی انتها و تاریکی به راه افتادند. در پیچ اول چپ کردند و سر اعتیاد صنعتی خانه و کاشانه شان را دود و پولش را روانه ریه‌های شان کردند. چادر زدند و زندگی ذلت‌بار داخل پارک آن‌هم در سوز سرما را به جان خریدند اما دست از مواد نکشیدند. چه شب‌هایی که زیر باران و برف لرز بر اندام جگر گوشه‌های شان انداختند و گرسنگی را به آن‌ها تحمیل کردند اما وجدان شان از خواب زمستانی بیدار نشد. زن معتاد می‌گوید: اعتیاد از آدم‌یک‌چازه متحرک می‌سازد که نه احساس دارد و نه عاطفه و مدام دنبال مواد در کوچه‌پس‌کوچه‌های زندگی در حرکت است. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با زن کارمند سابق و معتاد که در کمپ در حال ترک اعتیاد است از نظر می‌گذرانید.

چند وقت است در کمپ به‌سر می‌بری؟

نزدیک به یک ماه است که به‌خاطر اعتیاد به انواع مواد صنعتی در این مکان شب‌هایم را صبح می‌کنم. البته مسبب این اتفاقات تلخ شوهرم بود.

چند فرزند داری و میزان تحصیلات چقدر است؟

۲ فرزند دارم که یکی دانشجوی دیگری هم در حال اتمام مقطع دیپلم است. لیسانس مامایی دارم و کارمند هستم.

چه شد که به اعتیاد روی آوردی؟

شوهرم راننده جاده بود و برای رفع خستگی اش به شکل تقننی مواد مصرف می‌کرد. مزه کردن مواد زیر زبانی به دوران زایمانم برمی‌گردد، چون شوهرم برایم نسخه می‌پیچید و هر بار درد داشتم به جای دکتر رفتن چند یک دود برایم تجویز می‌کرد و تا به خود آمدم دیدم داخل منجالب مواد گرفتار شده‌ام. بچه دومم معتاد به دنیا آمد و سر این ماجرا خیلی دردرس کشیدم.

بعد از این ماجرا اخلاق شوهرت عوض نشد؟

بعد از این که معتاد شدم شوهرم تغییر مسیر

داد و از حمایت من دست برداشت. کل هزینه و مخارج خانه و بچه‌ها روی دوشم افتاد، هم مرد و هم زن خانه شدم. سر کار هم طوری رفتار می‌کردم که همکارانم متوجه اعتیادم نشوند. مدام به خودم می‌رسیدم و از ادکلن، عطر و خوشبو کننده استفاده می‌کردم تا دستم پیش کسی رو نشود.

آیا کسی از خانواده ات اهل دود و دم بود؟

نه. خانواده من و همسر از مواد و هر چه دود بود خیلی متنفر بودند. هر دو خانواده از نظر اقتصادی و اجتماعی وضعیت خیلی خوبی داشتند. از دکتر و مهندس گرفته تا مدیر در هر دو خانواده بودند. از خانواده همسرم کسی جز همسر در ایران زندگی نمی‌کرد و بقیه در خارج از کشور زندگی می‌کردند. به قول فامیل ما من مغز زنگ زده خانواده همسر، شوهرم بود. بعد از چند سال زمانی که کمی قیافه‌ام تغییر کرد خانواده ام متوجه ماجرا شدند و بعد از آن از همه نظر مرا تحریم کردند. رابطه‌ها قطع و دید و بازدید با ما ممنوع شد. من در جزیره تنهایی اعتیادم گیر افتادم.

تمام مخارج روی دوش من افتاده بود و از طرفی سر کار هم می‌رفتم، خیلی خسته می‌شدم و دیگر مثل سابق تریاک جواب نمی‌داد. وقتی شوهر تن پرورم دید که کار خانه لنگ می‌ماند به من پیشنهاد داد که هروئین را جایگزین تریاک کنم چون هم گیرایی اش قوی است و هم در وقت صرفه جویی می‌شود. من هم فریب حرف‌های بیهوده و پوچ همسر را خوردم و در دام او افتادم. رفته رفته بعد از آن به‌خاطر خماری دوباره تغییر رویه دادم و این بار شیشه را جایگزین هروئین کردم. شوهرم با همان روال قبلی هروئین مصرف می‌کرد.

هزینه مواد هر دوی شما روزانه چقدر بود؟

هزینه موادم‌ان سر به فلک کشید. طوری شد که روزی بیشتر از ۱۵۰ هزار تومان مواد دود می‌کردیم و رفته رفته با اوج گرفتن مصرف مان‌کنکور اعتیادمان هم شماره بالاتری می‌انداخت و گاهی وقت‌ها به ۲۰۰ هزار تومان هم می‌رسید. با شوهرم تقسیم کار کردیم. او خرج خانه را در حد بخور و نمیر می‌داد و من هم



تربیتی

هزینه مواد را جور می‌کردم. بعد از چندین ماه دیگر حقوقم جواب هزینه موادم‌ان را نمی‌داد. به ناچار دست روی فروش خانه گذاشتم اما عطلش مصرف مواد ما روز به روز بیشتر می‌شد تا جایی که بعد از مدتی ماشین زیر پای مان را هم خرج مواد کردیم و آس و پاس شدیم.

بعد از فروش خانه و ماشین کجا زندگی می‌کردید؟

بعد از فروش خانه مدتی در یک منزل ورته ای ساکن شدیم اما این پایان زندگی تلخ مان نبود. بعد از مدتی که در خانه ورته ای زندگی کردیم چون از پرداخت قبوض آب، برق و گاز عاجز بودیم برادرم از دست ما عاصی شد و تمام انتصابات را روی ما قطع کرد و بعد از آن هم وسایل زهوار دررفته مان را داخل کوچه ریخت. آواره کوچه و خیابان شدیم. به ناچار یک ماه داخل پارک ساکن شدیم. یک چادر را به پخت و پز اختصاص دادیم و چادر دیگری هم برای خواب برپا کردیم.

در این مدت کسی مانع زندگی شما در داخل پارک نشد؟

بارها می‌آمدند چادرمان را جمع کنند و بچه‌ها را با خودشان به خوابگاه ببرند اما بچه‌هایم قبل از آمدن آن‌ها از محل فرار می‌کردند و حاضر نبودند تحت هیچ شرایطی از ما دور شوند. بعد از مدتی وقتی نامه موقت از دادگاه گرفتم دیگر سراغ مان نیامدند. در یک ماه زمستان در پارک خیلی عذاب کشیدیم و شب‌ها از سرما مثل بید به خودمان می‌لرزیدیم اما چاره ای نداشتیم.

طی کمتر از یک ماه رخ داد؛

بخشش ۳ محکوم به قصاص

امام حسین(ع) و یاران با وفای آن حضرت فرصت مناسبی است تا زمینه آزادی تعداد دیگری از زندانیان استان فراهم شود. وی با بیان این که بین عدالت قضایی و عدالت سازشی در استان یک تعامل مثبت و سازنده برقرار است، اظهار کرد: در همین راستا جلسات مختلفی با هدف ایجاد صلح و سازش با حضور شاکی و متشاکی در زندان‌های استان با هماهنگی دستگاه قضایی برای آزادی تعداد دیگری از زندانیان محکوم به قصاص برگزار شده است.

۳ نفر از محکومان به قصاص نفس به دلیل قتل عمد طی کمتر از یک ماه گذشته مورد بخشش خانواده مقتولان قرار گرفتند. این خبر را مدیرکل زندان‌ها و اقدامات تربیتی خراسان شمالی رسانه ای کرد. به گزارش روابط عمومی اداره کل زندان‌های خراسان شمالی، «محمدی» این خبر را این گونه تکمیل کرد که کسانی که عفو می‌کنند و از خطای دیگران می‌گذرند از حلم برخوردارند زیرا عفو و گذشت خداوند از لغزش‌ها و گناهان مردم در پرتو حلم الهی است. وی افزود: ایام سوگواری شهادت سالار شهیدان

در محور اسفراین به‌جنورد رخ داد؛

یک قربانی و دو مجروح در تصادف دو خودرو



در پی تصادف خودروی پراید با نوسان وانت در محور اسفراین به‌جنورد ۵ نفر از سرنشینان دو خودرو دچار آسیب شدند و یکی از ۳ مصدوم این حادثه پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. بنابر اعلام اورژانس اسفراین صبح روز گذشته در پی تصادف دو خودروی پراید و نیسان وانت ۵ نفر دچار آسیب و به بیمارستان منتقل شدند که یکی از مصدومان در بیمارستان جان باخت. سرهنگ «حسین زاده» رئیس پلیس راه استان با بیان این که انحراف به چپ عامل بروز این حادثه است، افزود: این سانحه ۳ مصدوم در صحنه حادثه داشت.

حادثه در شهر

غافلگیری سارق خونسرد

حادثه حین خروج از ساختمان نیمه کاره توسط اهالی شناسایی و طی یک تعقیب و گریز دستگیر می‌شود. بعد از به دام افتادن سارق لب به اعتراف باز می‌کند که وسایل سرقتی از آن یکی از اهالی است.

از قضا زمانی که سارق آدرس محل سرقت را برای اهالی بازگو می‌کند مال باخته هم سر می‌رسد و متوجه می‌شود که نشانی و آدرس محل سکونت اوست. بعد از این اتفاق وقتی انباری پشت بام خودش را بررسی می‌کند می‌بیند که نصف بیشتر وسایل با ارزش او به سرقت رفته است. بعد از این ماجرا اهالی سارق را در اختیار پلیس قرار می‌دهند تا زوایای پنهان دیگر سرقت‌ها هم روشن شود.

صدیقی- سارقی که با خونسردی تمام طی شب چندین نوبت به انباری یکی از مال باختگان در حاشیه شمالی‌جنورد دستبرد می‌زد در آخرین سرقت حین خروج از خانه توسط همسایه‌ها غافلگیر شد. به گزارش سارق که گویا معتاد بود طی شب از طریق ساختمان نیمه کاره به پشت بام مال باخته ورود می‌کرد و هر بار چیزی را به سرقت می‌برد. همچنان که سارق هر بار یکی از وسایل انباری از جمله چرخ خیاطی، لوازم خودرو و فلزات را به یغما می‌برد برعکس صاحبخانه بی‌خبر از همه‌جا هر شب در آرامش می‌خوابید. این پاتک زدن‌های سارق ادامه پیدا می‌کند تا این که شب

نماینندگی ۹۸۴۵ بیمه دانا (اباذریان)



بانک قرض‌الحسنه مهر ایران

با همکاری شرکت بیمه دانا و بانک قرض الحسنه مهر ایران

شرکت استثنایی برای خرید بیمه نامه های

شخص ثالث بدنه آتش سوزی حوادث انفرادی مسئولیت



بیرون پیش پرداخت و ضمانت

بیرون سور

تنها با یک فقره چک

بازپرداخت ۱۲ ماهه

جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس

بجنورد - خیابان میرزا رضا کرمانی - نبش میرزا رضا کرمانی ۳

نماینندگی ۹۸۴۵ بیمه دانا (اباذریان) مراجعه نمایند.

تلفن گویا: ۸۲۴۶۸

۰۵۸۳۲۲۴۷۴۰۵

۰۹۱۵ ۱۸۸ ۱۰۱۵



فروش
اقساطی
۳۶ ماهه

تخفیف ویژه
کارمندان
دولت

تعویض فرش کهنه با نو

فروش فرش با ضمانت ۶۰ ماهه

ارسال رایگان فرش به درب منزل

بجنورد خیابان طالقانی شرقی

نبش طالقانی ۲۰ (جنب دبیرستان سمیه)

۰۵۸-۳۲۲۵۵۸۴۰

۰۹۱۵۱۸۷۱۴۶۶